

دادن نشانی غلط برای توجیه ناکارآمدی‌ها

عامل تورم، شوک‌های ارزی است نه دستمزد کارگران



نسرین هزاره مقدم

نگاه غالبی در بدنه نئولیبرال اتاق‌های بازرگانی، حامیان آنها و برخی نمایندگان مجلس یازدهم وجود دارد که دستمزد و نقدینگی را عامل ایجاد تورم می‌دانند. این گروه‌ها که نقش پول‌های یادآورده و سودهای هنگفت خواص در افزایش همان نقدینگی را نادیده می‌گیرند و نقد سیاست‌های کلان اقتصادی کشور در بحران اقتصادی و تورم را نفی می‌کنند، همواره شمشیر را علیه دستمزد کارگر از رو می‌بندند و می‌گویند برای جلوگیری از ایجاد تورم بیشتر، نباید دستمزد کارگران و مزدبگیران افزایش یابد، حتی باید کمتر از نرخ تورم رسمی زیاد شود. حال که دولت سیزدهم کار خود را آغاز کرده، باز همین نگاه‌های نگران‌کننده و رویکردهای لیبرالی در حال اقناع مسئولان برای جلوگیری از واقعی‌سازی دستمزد هستند. آنها «مزد» را از دو جهت می‌گویند؛ یکی توان و استطاعت کارفرما و تولیدکنندگان و دیگری احتمال تورم‌زایی آن.

در مقابل فعالان کارگری معتقدند متوسط سهم دستمزد در هزینه‌های کارفرمایان از ۱۰ درصد بیشتر نیست و این ادعا که بدنه کارفرمایی کشور تاب‌آوری مزیدبیشتر را ندارد، از اساس اشتباه است. طبق این دیدگاه، کارفرمایان در شوک‌های ارزی دو سال اخیر افزایش بیش از

۲۰۰ درصدی هزینه‌های مواد اولیه و واسطه‌ای تولید، افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی هزینه‌های حمل و نقل و گرانی ماشین‌آلات که نرخ آنها دلاری است را تحمل کردند و صدایشان در نیامد اما همین‌ها وقتی پای مزد کارگران در میان باشد، شروع به هشدار دادن می‌کنند که اگر مزد را افزایش دهید، ناچاریم کارگران را تعدیل کنیم؛ بر این باور، این استدلال‌ات در فضای متورم فعلی پذیرفتنی نیست. نمایندگان کارگری برای استدلال دوم مخالفت با افزایش دستمزد یا همان تکیه بر تورم‌زا بودن دستمزد نیز پاسخ دارند. به عقیده آنها، از ابتدای سال جاری که دستمزد کارگران ۳۹ درصد افزایش یافته، صعود تورم باشتاب بسیار تداوم داشته به گونه‌ای که نرخ ۴۴ درصدی برای تورم رسمی تیرماه ۱۴۰۰، فقط یک روتوش رسمی برای پایین کشیدن نرخ تورم است و هر کس در این کشور زندگی کند، می‌داند که نرخ تورم سالیانه در اقلام ضروری و در سبد خانوار، حداقل ۱۰۰ درصد است، سال پیش همین موقع، نرخ سبد معاش حداقلی خانوارهای کارگری حدود ۵ میلیون تومان بود و امروز بعد از یک سال، از مرز ۱۰ میلیون تومان نیز گذاشته یعنی یک تورم واقعی ۱۰۰ درصدی! این تورم چطور به هزینه‌های اولیه زندگی کارگران تحمیل شده آن هم در شرایطی که مزد فقط ۲۹ درصد زیاد شده و چرا در چنین شرایطی، نمایندگان مجلس

از جمله الیاس نادران و مهدی طغیانی، در آستانه سر کار آمدن دولت جدید، در بلندگوهای رسمی ادعا می‌کنند حقوق بازنشستگان تورم‌زاست و نباید مزد و حقوق افزایش یابد.

رشد دستمزد و افزایش تقاضا در بازار

«نقدینگی» در صورتی می‌تواند اقتصاد را متورم کند که تقاضا برای کالاها و خدمات بالا برود و با فرض ثابت بودن میزان عرضه، منجر به افزایش قیمت‌ها شود. دستمزد کارگر که براساس خوشبینانه‌ترین تخمین‌ها و محاسبات، به اندازه اجاره خانه و روزی یک وعده غذای گرم است، چطور می‌تواند تقاضا برای کالاها و خدمات را افزایش دهد و منجر به گرانی قیمت‌ها و ایجاد تورم شود؟

یک کارگر شهرداری می‌وان که تازه وضعیت پرداخت حقوق هایشان بعد از مدت‌ها سختی و ممرات و انتظار مرتب‌شده، در این رابطه و در پاسخ به این سوال که وقتی دستمزد می‌گیرید، با آن چه می‌کنید و چقدر کالاهای اضافی می‌خرید، می‌گوید: «وقتی دستمزد حداقلی خودمان را می‌گیریم، اول قرض و قوله‌ها را صاف می‌کنیم و نسیه‌هایی که از مغازه‌ها برداشته‌ایم، تسویه می‌کنیم، بعد باقی را می‌دهیم اجاره خانه و نهایت، حدود یک میلیون تومان می‌ماند که اگر بخواهیم گوشت و مرغ بخریم همه‌اش می‌رود. می‌گذاریم برای شیر و نان و تخم‌مرغ و باز از پانزدهم ماه شروع می‌کنیم به نسیه خرید کردن».

فعالان کارگری معتقدند متوسط سهم دستمزد در هزینه‌های کارفرمایان از ۱۰ درصد بیشتر نیست و این ادعا که بدنه کارفرمایی کشور تاب‌آوری مزیدبیشتر را ندارد، از اساس اشتباه است

مروتی یک بازنشسته حداقل‌بگیر است، از همان‌هایی که برخی از نمایندگان مجلس، معتقدند نباید مزدشان زیاد شود چون تورم‌زاست و باعث می‌شود اقتصادمان متورم شود! او نیز در پاسخ به همان سوال فوق می‌گوید: «وقتی حقوق می‌گیرم، اول اجاره خانه می‌دهم بعد برای خانه، اقلام اساسی و ضروری مثل برنج و روغن و شوینده‌ها را می‌خرم. اگر پولی بماند، یکی دو کیلو گوشت مرغ می‌خرم و گرنه به همان تخم‌مرغ و حبوبات بسنده می‌کنم. دیگر چیزی نمی‌ماند که خرید اضافه بکنیم، سالی یک‌بار هم لباس و کفش نمی‌خریم، وسایل خانه که اصلاً جاروبرقی مان چندماه است خراب شده و هزینه تعمیر نداریم، چه برسد به تعویض».

دستمزد کارگر به اندازه نان و تخم مرغ و اجاره خانه است، حال چطور می‌تواند عامل تورم باشد؟ کارگران (نیمی از جمعیت کشور) پول تعمیر و وسایل خانگی را ندارند، پس چرا

لوازم خانگی با سرعت برق گران شده است؟ یا دلیلش بالا رفتن تقاضاست، وقتی نیمی از جمعیت کشور یعنی کارگران و بازنشستگان، استطاعت ایجاد تقاضا در بازار ندارند؟ چطور می‌توان ادعا کرد بالا رفتن نقدینگی و قوانین استاندارد عرضه و تقاضا، عامل تورم است؟

شوک‌های ارزی و ایجاد تورم در کشور

عامل تورم، نه در بالا رفتن تقاضای مردم و گردش نقدینگی، بلکه در جای دیگر است، آنجه که «حسان سلطانی» کارشناس و پژوهشگر اقتصادی، سیاست‌های کلان نادرست و شوک‌درمانی‌های پیاپی می‌داند. او می‌گوید: در اقتصاد ایران، همه دوره‌های با نرخ‌های تورم بالا (از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۳۹۹) همراه با شوک‌های نرخ ارز بوده‌اند.

نقدینگی هیچ‌گاه به صورت یک به یک روی نرخ تورم تأثیر نمی‌گذارد و اثر نقدینگی روی نرخ تورم در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد است. در دو دهه گذشته رابطه نقدینگی با تورم در بیش از ۷۰ درصد اقتصادهای جهان قطع شده و گفته می‌شود که رشد نقدینگی روی بازارهای مالی تأثیر می‌گذارد. وی ادامه می‌دهد: عامل کلیدی افزایش شدید قیمت‌ها در ۳ سال گذشته، دو شوک متوالی قیمت ارز است که اقتصاد خوانده‌های نئولیبرال وابسته به خصولتی‌ها و دولت، برای فرافکنی و توجیه و دادن آدرس غلط، همواره فقط نقدینگی را مسئول معرفی کرده‌اند. سه سال است اقتصاد ایران در چرخه مخرب «افزایش نرخ ارز - افزایش قیمت‌ها - افزایش قیمت ارز» گرفتار آمده است.

حال که دولت سیزدهم به سر کار آمده، کسانی که خودشان را «دلواپسان اقتصاد و کشور» می‌دانند و نمایندگان مجلس، به جای مطالبه از دولت که نرخ ارز را واقعی کند و قیمت‌ها را برای در دسترس عموم قرار گرفتن کاهش دهد و همچنین بحران معیشت طبقات مزدبگیر را از میان بردارد، خواستار توقف افزایش مزد کارگران شاغل و بازنشسته هستند و هنوز به نیمه دوم سال نرسیده‌ایم، شمشیر را در جنگ با دستمزد‌زا رو بسته‌اند! این در حالی‌ست که عموم کارگران و بازنشستگان از دولت جدید یک خواسته اساسی دارند: ترمیم دستمزد و رساندن آن به مرز سبد معیشت حداقلی و کنترل قیمت‌ها تا

عامل کلیدی افزایش شدید قیمت‌ها در ۳ سال گذشته، دو شوک متوالی قیمت ارز است ولی اقتصاد خوانده‌های وابسته به خصولتی‌ها و دولت، برای فرافکنی و توجیه، همواره فقط نقدینگی را مسئول تورم معرفی کرده‌اند

بیش از این افزایش نیابد و از دسترس خارج نشود. در چنین شرایطی، وظیفه دولت سیزدهم در قبال طبقات فرو دست، رفع بحران معیشت در دو جبهه موازی است. اول، ترمیم مزد و مستمری و دوم، واقعی‌سازی نرخ ارز و کاهش قیمت اقلام و کالاها ی اساسی. دولت نباید به تبلیغات سوء نئولیبرال‌ها و آنهایی که آب را هر چه گل‌آلودتر و اقتصاد را هر چه معیوب‌تر می‌خواهند تا راحت‌تر ماهی‌های درشت بگیرند، گوش فرا دهد. احسان سلطانی نیز به این وظیفه کلیدی و حیاتی اشاره می‌کند و می‌گوید: «دولت سیزدهم در صورتی که قیمت دلار را واقعی نکند (کاهش ندهد)، در حداقل ۳ سال آینده همچنان با نرخ‌های تورم بالا روبرو خواهد بود که از توان تحمل عامه مردم خارج است».

واقعیت‌ها را باید دید

تبلیغات گمراه‌کننده، نقدینگی را عامل تورم می‌دانند و جامعه را از افزایش مزد می‌ترسانند حال آنکه سیاست‌های نادرست اقتصادی و شوک‌درمانی‌های ارزی، هم فرودستان و دهک‌های پایین را به ستوه آورده و هم خیلی نرم و خزانده، طبقات متوسط و دهک‌های میانی را به سمت پایین سوق داده است. حساب کنند که در این سه سال، چند صد یا چند هزار خانواده‌ای که روزگاری دست‌شان به دهان‌شان می‌رسید، مجبور شده‌اند از متن شهرها به حاشیه‌ها بروند و در کلونی‌های بی‌کیفیت زندگی کنند. حساب کنند چه تعداد خانوار، طلاها و وسایل گران‌قیمت خود را در همین بازه زمانی به ثمن بخش فروخته‌اند و ببینند کارگری که با دستمزدش فقط نسیه‌های ماه قبل را تسویه می‌کند و اجاره خانه می‌دهد، کجا «نقدینگی» دارد که بتواند عامل تورم باشد؟

سرمایه‌های بزرگ هستند. مدعیان دفاع از حذف ارز ترجیحی نیز عمدتاً کارگزاران همین افراد هستند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: در دهه گذشته سرمایه‌گذاری خالص ما منفی بوده یعنی میزان سرمایه‌گذاری صورت گرفته کمتر از استهلاک سرمایه‌های موجود بوده است. اگر دولت سیزدهم واقعاً می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند باید قیمت ارز را به شدت کاهش دهد در غیر این صورت هیچ جاذبه‌ای برای تولیدکننده وجود ندارد تا سرمایه خود را به سمت تولید ببرد. این اقتصاددان تأکید کرد: اگر آقایان تصور می‌کنند که با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و فرمول کاملاً غلط تزریق منابع حاصل از حذف ارز به مردم مشکل فساد حل خواهد شد، کاملاً اشتباه می‌کنند. برخورد با کانون‌های فساد باید در جای دیگری صورت بگیرد و با وجود این کانون‌های افقی فساد، اصلاح هیچ نظامی امکان‌پذیر نیست.

وی در پایان تأکید کرد: صراحتاً عرض می‌کنم که اگر این اصلاحات خیلی روشن و شفاف صورت نگیرد، به نظر من ادامه توطئه‌ای است که در یک دهه گذشته علیه نظام سیاسی شکل گرفته و قدم به قدم به اهداف خود نزدیک‌تر شده و مسئولیت عواقب آن بر عهده تصمیم‌گیرندگان دولت سیزدهم است.

یادداشت

طرح‌های تبلیغاتی برای خانه‌دار کردن کارگران

فرامرز توفیقی، رئیس کمیته‌سنسورنگان علی‌شواهای اسلامی کار

درباره مسکن کارگران و مشکلات متعدد آنها سخن زیادی گفته شده است ولی واقعیت این است که در حال حاضر یک کارگر حدود ۴ میلیون در آمد دارد که اگر ۴ میلیون خود را خرج نکند و پس‌انداز کند سالیانه ۴۸ میلیون تومان پس‌انداز خواهد داشت که ۱۰ سال آن می‌شود ۴۸۰ میلیون تومان می‌شد. با این حساب و با پس‌انداز بیش از ۵۰ سال شاید بتواند یک آپارتمان کوچک در تهران خریداری کند که بعید می‌دانم هیچ کارگری بتواند ۵۰ سال کار کند و فقط پس‌انداز کند.

با این حساب، خرید مسکن برای کارگران یک امر محال تبدیل شده است. البته در راستای اجرای ماده ۱۴۹ قانون کار، معاونت اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دولت قبل چکش‌کاری‌هایی را انجام داد ولی به نتیجه نرسید. یکی از بندهای مغفول مانده قانون کار ماده ۱۴۹ قانون کار است. مطابق این ماده کارفرمایان مکلف هستند با تعاونی‌های مسکن و در صورت عدم وجود این تعاونی‌ها مستقیماً با کارگران فاقد مسکن جهت تأمین خانه‌های شخصی مناسب همکاری لازم را انجام دهند و همچنین کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ مکلف به احداث خانه‌های سازمانی در جوار کارگاه یا محل مناسب دیگر هستند.

در تبصره یک این ماده آمده است، دولت موظف است با استفاده از تسهیلات بانکی و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های ذیربط همکاری لازم را کند.



تبصره دوم هم بر این اساس است که نحوه و میزان همکاری و مشارکت کارگران، کارفرمایان و دستگاه‌های دولتی و نوع کارگاه‌های بزرگ منشممول این ماده طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارتین کار و امور اجتماعی و مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید که این بند از ماده قانونی از سال ۱۶۹۹ اجرایی نشده است.

ما نمایندگان کارگران معتقدیم که بخش زیادی از هزینه کارگران صرف اجاره‌بها می‌شود که حل این مشکل، بسیاری از معضلات کنونی این قشر را کاهش می‌دهد. از این رو چند سال پیش جلسات متعددی با معاونت اجتماعی وزارت کارفرمایان از ۱۰ درصد بیشتر نداشت باشند که به یک و این ادعا که بدنه کارفرمایی کشور تاب‌آوری مزیدبیشتر را ندارد، از اساس اشتباه است. طبق این دیدگاه، کارفرمایان در شوک‌های ارزی دو سال اخیر افزایش بیش از

استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا گفت: باید این اخطار را به دولت سیزدهم داد که اگر ارز ۴۲۰۰ تومانی را حذف کند و بخواهد ارز را با قیمت‌های بالا نگه دارد، در تردیدی نداشته باشند که به یک سال عمر دولت سیزدهم نخواهد رسید که پدیده‌های نامیمونی احتمالاً با ابعاد بزرگ‌تر از آنچه در ناآرامی‌های اخیر شاهد بودیم در کشور رخ خواهد داد.

حسین راغفر در گفت‌وگو با ایلنا تصریح کرد: عده‌ای در اقتصاد کشور فضا سازی کرده‌اند تا دولت بعدی قادر نباشد قیمت ارز را پایین بیاورد. آنها چالش‌ها و حفره‌های بزرگی را به صورت کسری بودجه‌های دولت بزرگ کردند تا دولت مجبور باشد ارز را در همین دامنه ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان نگه دارد.

وی ادامه داد: عده‌ای به بهانه اینکه وجود فساد در کشور اجازه نمی‌دهد ارز ۴۲۰۰ تومانی به دست مصرف‌کننده برسد، توصیه به حذف این ارز و پرداخت مابه‌التفاوت آن به صورت یارانه به مصرف‌کننده می‌کنند. باید متوجه باشیم که حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی چند پیامد

استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا:

حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، عواقب سنگین سیاسی و اجتماعی دارد

دارد؛ اول اینکه وقتی ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شود ارز ۲۵ هزار تومانی هم قطعاً ۲۵ هزار تومان خواهد شد و بعد اینکه قیمت کالاها ی اساسی شدیداً افزایش پیدا می‌کند. از طرفی امکان سرمایه‌گذاری هم به دلیل جهش دیگری که در قیمت ارز پدید خواهد آمد، کاملاً متغنی خواهد شد بنابراین تولید هم به رو یا تبدیل می‌شود. راغفر تصریح کرد: اگر بخواهند مابه‌التفاوت حاصل از حذف ارز ترجیحی را به صورت پول نقد به مردم بدهند این خود فاجعه دیگری است چرا که علاوه بر افزایش ناشی از قیمت ارز، تورم دیگری هم از طریق تزریق پول نقد به جامعه ایجاد می‌شود.

این استاد دانشگاه بیان کرد: موافقان حذف ارز ترجیحی، تلویحاً فساد در فرآیند واردات کالای اساسی را پذیرفته‌اند. آنها می‌گویند کالای اساسی به قیمت ۴۲۰۰ تومان وارد می‌شود اما با قیمت‌های بسیار زیاد به دست مصرف‌کننده می‌رسد. یعنی پذیرفته‌اند که فساد وجود دارد و حکومت و دولت قادر به حذف فساد نیست و برای اینکه

درآمدهای عوامل فاسد را کم کنیم باید ارز ترجیحی را حذف کنیم. راغفر افزود: اگر منطق موافقان حذف ارز ترجیحی را در مورد پذیرش فساد در جامعه و اینکه کاری از ما بر نمی‌آید، بپذیریم، پس می‌توان گفت که با وجود کانون‌های عفونی فساد در جامعه، حذف ارز ترجیحی هم فساد را به اشکال مختلف دیگری در جامعه بروز خواهد داد. به نظر من عمده کسانی که

